

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع بیاسی به قیمت خالیانه  
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود از وزراء و اعیان دولت

مصادف دوستی شان  
برای مکاتب و کتب خانهای ممل  
ومعاویین و قائم نگاران (فخری)  
رایگان  
از عموم خبرداران در داخله  
(۱۲) روپیه کابل در خارجه  
از طلب و مخصوص انصاف قیمت  
ششماه  
داخله خارجه  
(۸) روپیه (۷) شلنگ

# النَّكَالُ وَعِدَا

۷ س ۱۳۱۴

از اینای وطن هر که لعله شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده میشود  
نهایت شماره دو هیلسی

ده افغانستان کابل  
سر دیر  
سید محمد قاسم  
مه امورات خبربریه شام  
اداره فرستاده شود  
لوایه در افشار و اصلاح مقلاط  
وارده مختار است  
در هر هفت یکبار تصریح میشود  
اور افیک درج نشود اعاده نمیشود

مأربع شمسی (۱۱) میزان ۱۳۰۲ هجری (دو شنبه) تاریخ قمری (۱۲۱) صفر سنه (۱۳۶۲)، هجری

## فصلنامه فصلنامه جانش

- ۱ در اطراف تسبیح علماء بن التبریز -
- ۲ حمله اعلیحضرت بروز عبد ای -
- ۳ هیاضه و کلام ملت
- بروز آخر جشن -
- ۴ مکتوب از اندن -
- ۵ عطف نظر به نصائح جریده خلافت بمبئی -
- ۶ حوادث داخلیه -
- ۷ تبلکرام اعلیحضرت غازی و اعلیحضرت امپراتور زبان -
- ۸ حوادث خارجیه -
- ۹ کزار منطقی

در همان اوائل که این خبر و حیثت از بکوش مسلمین رسید  
لام بود که درین موقع بحر نقطه خان اسلام از طرف عموم مسلمین  
برای جبر این کسر احساسات دینیه و نوعیه ای را میشد، ولی  
لعله بعض اطلاعات و اصنه که اهالی طهران شورش نموده  
ها طرف سفارتخانه اذکریں اظهار غلیان و هیجان دارند و عایشه  
از کلیس بسواری طباره پنداد رفت تا احساسات عاشره را با خاطر  
لشان ساخته جازه جویی کند و ظاهر را خانه دهد و نیز دین  
الوراه و هیئت دولت علیه ایران درین مسئله با کمتری کمال  
حراف و سفارت اذکریں در ایران و همچنین با دربار نہد و سائر  
مقامات من بوته داخله نه کرد که بشده اند و پیچه کرده اند که  
آقایان تسبیح شده کان مجدها ما کن احترام با وظای خود مراجعت  
کرد و سره الحال درخان و مان خدیش زندگی آنقدر است  
منه و حکومت عراق و عایشه های اذکریں طور دوستانه  
باشند بجهه خانه دهند. آکنون بتای اطلاعات صحیحه و بنس درلت

## بسم الله الرحمن الرحيم

در اطراف تسبیح علماء بن التبریز

البته عموم مسلمانان از بن واقعه عزمه و فاجهه موله تسبیح  
علماء بن التبریز (خرق عرب) که باهاء دولت رطابه بعمل  
آمده اجلا مسبوق اند و میدانند که ازین ساخته ناملاعه جکر  
قابلیه عالم اسلام بخوب و قلوب از روح مقدسه بقدادیان اسلام  
کباب است بل این بک صدمة مهی است که عالم اسلامیت  
زده اند و لطمه عطا جی است که بر حیثیت مسلمین وارد اینده اند.  
هرجا که این خبر مدحت رسیده است مسلمین اخراج به ضطراب  
آنده اند و دلمهارا پاره پاره ساخته است و اینها از حار عالم را  
فرام اورده است و بر جراحات ساخته شان هک باشیده است

از اقدامات خود تبعه نکرده، قوم مسنوی و اصحابی عربی  
خواسته کاپتن درجه با احساس مسلمین اعتنا کند، این معنی  
رئالات و از جازما پیشتر افراد فراموشی است که مسلمین مرحا  
بنویه خود بظایف اسلامیت رفشار نموده و قدرت خود را  
از کسانیکه در مقام اهانت به قلم اسلامیت و روحانیت برآورده اند  
قدر مقدور اظهار دارد.

رأی اندک عوامل و موجبات مخصوصه این سیاست خشن  
و اقدام ناملائم مناسب میدانیم کلمه از جرایات سیاسی عربی صوب  
را ذکر نمایم ناظلومیت مسلمانان و کلم دشمنان و عقایل اسلام  
غوب و شن و حقیق کردد، و مسلمین طام تنبیه شود که در این عصر  
وزمان هم، پروان صلیب در حرم مسلمانان به صورت توکاگه  
نمی کنند و همچو بسیارت ووصایت کلا مستونها هر روز رذکی  
برخنه قطعه از جاک اسلامی را یک شکل و عنوان مازه حایت  
و اندیاب ووصایت و حفظ ملایع واقعه افتیت و لفس مدینت  
تصاحب می کنند و برای اضمحلال اساس دین قویم اسلام از  
از تکاب هیجکونه فجائی و شناخ خوده داری ندارند.

عربی صوب که صراحت آن شهر بغداد است ناهشت ممال  
قبل ازین جزو و مستملکات دولت عثمانی بود، در جنگ همراهانکی  
بعد از محاربات عظیمه این قطعه از دست ترکها برآمد و تحت  
سلطه انگلیس آمد.

در ازدست ساقه معمول بود که هر وقت دولتی صاحب قوت  
و اقدار می شد و خیال جهانگیری و تکرار کشان در مطلع او  
نمی افتد نجیب عسکر و تیه قوه نموده بعملی ساخت و کار  
کرده و پس ازان که قاع و مظفر میشد میتوانست اراضی  
بتصرفه را بعلک خود ضمیمه و الحلق کرده و با صلح اسرای زده  
جزء مستعمرات خود بشمارد. ولی برطبق اصول متداولة  
وقوانین معموله طام اسرای زده، استحصال و تصرف اراضی باضمیمه  
والحاق کردن آنها جزو صراحته و آرمه و عقاید عموی وجهه  
شروع و قانونی ندارد، و هیچ قوی حق مجاوز و تهدی بر حضنا  
رماندسته و قانون انسانیت ضمیمه وقوی میباشد مساوی شناخته است  
است اعم از اینکه قوی و ضمیمه اشخاص مانند که در مقابل گاچون  
مدنی مساوی هستند و یا اینکه دولت باشند که برطبق اصول مدنی  
حدود هر یک معین شده است.

آن طریق اکرجه جزو حقوق میان الملل شناخته شده است  
مکر مستعمره جی های بزرگ از هاشمیه رعایت این فاعله ای لازم  
نمیباشد و بعلکیه مذرمه استبدادیه (المقلاقی) یا اسلیق  
لی غلب، عمل کرده هر وقت فرسن میباشد جزوی از مملک  
اسلام و شرق، شامل مستعمرات خود میباشد جناحه پس ازان

پهدا ز که عراق را مطالبه کنند جرا که ساقه عراق جزو  
مالک دولت عثمانی عصوب می شد والبته حکومت ترک بنام حقوق  
فسدم در تصرف، دست از مستملکات خود برداشته لاقل  
هزرفت گر خود را از بزر فشار های طاقت فرسای تحملات  
منتفی خلاص کنند حقوق از دست رفته خود را مطالبه خواهند  
کرد و از طرف دیگر خود اهالی که تهم استقلال و آزادی  
نمودند.

بیش از هزار سیده است غمی خواستند در تحت اواصر هیج دوک اجنبی  
در آبید و ساراین مطالبه استقلال تمامی کنند و قیومیت او را عراق  
هایج کوہ صورت قانون ندارد، از همه تدابیر و اقدامات ساقه  
قریباً مایوس شدند و یکاه راه حل قضیه را ریشه در کردن آراء  
و مراجعت با فکار عمومی تشخیص دادند

دولت انگلیس برای ایشک در اخذ آراء عمومی مغلوب  
نشود و بتواند برای خود محصل اکثربت کند قبل از شروع  
مبليغ و تضییق و فشار و نهاد خوده قوای نظامی هندی  
وانگلیسی را در تمام قاطع عراق کاشت نا آراء عمومی را در تحت  
فشار نم خودها تمام کند و قیومیت خود را در عراق بشکل  
قاوی جلوه دهد این بود که علمای اعلام و حجج اسلام عراق  
مرحب متفقاً رحومت این انتخابات رای داده و اعمالی را بسوی  
عواقب آن حال ساختند.

مل آزادی طلب مقاومت های اخلاق نشان داده و در  
انتخابات شرک نکرد و حاضر نشد حکومت فعلی عراق را که  
صبم سیاست مستعمران انگلستان است رسیجت پذیرد و در  
لشکل یک علیه که حاکمیت انگلستان را عراق میل میباشد  
مساعدت کند و نخواست عملاً معاهده دولت انگلیس و فیصل  
را انصیق نماید

بس ازان که مقاومت های شدیدی از طرف میلیون  
و وطنیون عراق عرب در مقابل طمع و رزی انگلستان بظهور  
پیوست و برای قطع ایدی استیلا کارانه اوزان علاوه ها  
دادند و جوانان رشید خود را در میدان کارزار استقلال طلبی  
و اسلام برقی وطن خواهی هر بانگاه جهاد فرستادند این دولت  
بی عاطله که میخواهد خود را با آزادی خواهی و طرف داری  
علم پژوهیت معرف کند اولاً از اجتماعات احزاب جلو کیمی  
شدید نموده و فکدشت یک مشت مردمان فلکه دور پیکر  
جمع شده روز کار تیره و نار خود اقلال نوحه سران کنند و  
داغ دلایل خود را بوسیله نمایه روطن مالوف تسبیح دهنند.

و در نان علمای علام ویشوایان اسلام را که محروم شرک قتوی  
دانه و نمایه عنوان ختلفه لز خانع خود دور و از نعمت  
آسایش و راحت و آزادی مهیجور کرده جو را تبعید و عده را  
خانه لشیں و کروید را تهدید بقتل نمود

چنانچه سال کذشته جناب آقا شیخ مهدی خالصی را که  
که قائد نهضت صریحی بود با جمیع دیگر بطرف ایران تهدید نمودند  
و سردم آن واقعه را بسیل انتکاری که در آینده و سفارت  
انگلیس نمیداشان را تکذیب و عنیت ایشان را بطریان حسب  
نویسه آیت الله خالصی والد زیر کوار ایشان معرف کردند.  
آنون که میدان را برای اجراء نیات سوء خود خالی دیده  
و با خد نیزج ز دیگر شده است نمیدید آن عده را که تنها نموده  
بزرگین علماء عصر حاضر حضرت آیت الله خالصی را نمید  
وار خانع نموده و معلوم بست ملا ابراهیم فرستاده اند  
و پس از ترازه اش اشاعه و اخبار ریز است در تعطیل این اقدام  
که (چون آقای خالصی حکم خصم شرک در انتخابات را داده  
است و دولتین بین الهرین نمیخواهد بخارجی اجازه بدهد که در  
سیاست او دجالت عابد و آقای خالصی ایرانی میباشد لذا  
ایشان را بوقیف نمیدید نموده است) عجیباً در عراق که مدفن  
انه طاهرین سان مسلمین و قبور اجداد این علماء اعلام است  
انها یکاه اند و انگلیسها اهل انجا و خانه موروثی امان است.  
پس از این که اطلاعات و مقدمات فوق باید داشت که دولت  
بریتانیا برای حقوق ساخت و قانونی نمودن قومیت خود را در عراق  
مرا جمهه با فکار عمومی نموده حال آن که این نوع مراجعته  
رخلاف اصول قانون و مقررات حقوق است، چه در موقعیکه  
نموده با فکار عمومی مراجعته کنند میباشد ملت در اطمینان  
نموده باشند اینکه این انتخابات را داده و در این انتخابات  
افکار خود کاملاً آزاد و بختار بوده و عقاید خود را بدون  
خشیت و وحشت اظهار کند و در ایجا بالعکس بر عراق اولاً  
استیلا نموده بعد اهالی را از بزر فشار و تهدید کرته اند آرا  
می کنند، و تبعید علماً و مخالفین عایلات انگلیس خود دلیل  
صریح است که ملت در انتخابات آزاد نیستند، و فقط مجبوراند  
که هرچه دستور العمل باشند پذیرفته لا و نم نمکونند  
ولی بدینی است که در هر یک از مسائل سیاسی طرف بنت و  
منفی وجود داشته باشد و رای همین اصل است که مراجعته  
با فکار عمومی می کنند تا مدلل شود که اکثریت با اخراج  
نهایی دسته منفی در ضمن این نمایی همین اصل است  
است یا طرف منفی و در اینجا برخلاف، دولت انگلیس از اول  
بعخالفین یعنی دسته منفی در ضمن این نمایی همین  
باشد هم، یک طرف شوند و بیچکس حق مخالفت ندارد، پس در  
این متصور انتخابات صحیح نبوده توجه که ران صرت کردن  
میخواهند از روی قانون صحیح نیست و اکر در یک از عاصم  
ین املاک این مسائل بطریح شود و واقعاً حکمه منبور نموده  
محققت حکم کند دولت انگلیس را ملامت و محکوم خواهد کرد.  
دولت بریتانیا اجراء لسلط و استیلاه خود را عالمک

ظرف داشته، ناشد. حدودت عکسی یک خدمت بسیار مفهومی را که از خدمت عکسیها در کامپینها در میان افراد متفاوت است. جانشینی این خدمت عکسی را که خدمت عکسی جانشینی در زمان حق تعالی است و خردمند این جانشینی و فدا کاری خود الله تعالی است، و معلوم است آن حدودت عکسی جانشینی در زمان حق تعالی است. زمان این در زمان حق تعالی خود بزرگترین خدمتها است. زمان از این خدماتی خود فاعل و مظاهر میخواهد

شما از این خدماتی خود فاعل و مظاهر میخواهید. این ملت از خواهم صد های دنیا را، علی الحسوس مقام حلاة عظاماً سلطنت علیه زیب سلطنت ایران و محکماً و دیر عده اسلامی و رادره ای هر جوار ملارا که در هندوستان حسنه محفظ و حایت خود لکپهاری، رای تان نخواهد کرد. حکومت لازم طیم را مهیا کرده از هرجای دیها معلم آورده و اینطور چیزی از احتیاجات علمی تان نقی نخواهد که من آماده نگیرده باشم. از برای خدا آن عجم اولاد بگذرید، محبت خدا و رسول را پیکرید. محبت اولاد از محبت خدا و رسول پهلویست. یک روز خواهد شد که من بیمه و شما هم خواهید صد، کردن من ملاس ناشد روز حشر. اکنون اسرار اولاد های خود را به کتب غرستید بعد از صدر شما اضافه بر حقوق پدری تان برای شما دعا خواهند کرد از سبیک واسطه تعلیم شان شاهدید.

اکنون میخواهم بک قدری زبان هندی برای شما عرض کنم، آنچه من زبان هندی خوب نمیدارم و انشاء الله اینند خوب خواهد شد لآن اندک عرض میدم نایمه زبان اسلامی سخن کفته شود و قام برادر های من بداست و سخن من بتوش آهای بماند:

(اردو) من اینی هندوستانی بجاویں کلی ہی بنا کر کامون ہے خدای تعالی ایوں اینی حفاظت میں رکھی اور آنکو دن و دنیا کی کامیابیان عنایت فرمائی۔ اللہ تعالی هر کام بین ان کامی و ناصر ہو۔ من اینی هندوستانی بجاویں ہی مدعی باعثا ہوں کہ میری اردو اجوہیں ہی۔

(زنجد) من در حق برادران هندوستانی خود بیز دعا کار بکنند، آنکے مادرین آن مصالح ماشند۔ و بجز بست بحیثیت کار بکنند دولت نرق میکنند گعن بیت میس مای ۱۴۰۶ مادرین کار ہای خود نهایت فعال، بیار جدی ماشند و قاووسک از اطراف دولت برای شان داده شد مخوبی احمد آنند الحمد لله ماوشما مسلحان هستم، قانون ما طلاق احکام الہی است و ماید که مادرین در مسائل فانویه هیچ حظ نکنند، برای این مسائل مادرین اکر ہمین قسم شما مادرین اجراء ای ای خود را بکنید الشاء الله اندک مدت دولت ملی تان

ببسیار قی خواهد رسید من نیکویم، شاد کار ہای تاریخی افغان مخصوصاً نسبت فرنی ق اتمالی پیش، عکسرا افغان را بسیستی احمدیه در برآورد بیکنید، لکن می خواهم

مینیاشد. ارواح ذریه های آیینه ما که از کنون عدم عالم منصه ظهورند مسجون احسان خود را دالسته بعلم غیب شناخوان میباشند مجاهداتیک دراعلای الله العلیا مینهای ذات حضرت خداوندی هادی راهت می باشد. که (والذین جاهدو فینالنه بیهم سبلنا) استقامتیک در محافظه برق باعلای اسلام غیر وحدی ملا. که ملا اعلا نبشير مخن اولیا اشکم فی الحیاة الدنیا و فی الاخرة) برایت می رساند که (ان الذین قالو ربنا الله ثم انتقامو نزل علیهم الملائیکة ان لا تخافو ولا تخزو) بدر تاجدار ما قوم و ملت!

سرزد کر بدو رت بتازم چنان

که سید بدور ان نوشیر وان تاریخ عالم تذکار جبات را بخط زر نقش مینماید. عساکر ظفر مازارت که روانه وار جانهای خود را برای محافظه، لواحد خود اسلام فدا نموده استقلال را برای ما ملت حاصل نموده خود را در زمیه عجوب بین خلق الله زد خداوند تعالی داخل نمودند که (ان الله يحب الدين يقاتلون في سبيله صفا کامن بنیان مخصوص) از عنم راسخ و نبات قدم شما است.

از فکر دور بینت برای محافظه استقلال بخون خربده خود از تنظیم بودجه عسکری و تشکیلات دوار وزارت حریه و ترتیب قول ازدو و اخطار تجهیزات و لوازمات عسکری و تعلم طیاره ران و اصول انتظام اخذ عسکر وغیره غیره کدام محسنات است که ذر فرو کنداش شده یافرو کنداشتی است. از احسن انتظام وزارت جلیله حریه خود که بتوجهات جهان در جات بادشاه غیور غازی مادران سال بکار آمد ما ملت نجیب با وازبلند می گوییم که زندگی بادشاه عسکر بروماینده و هر قیاد وزارت جلیله حریه ما مظفر و منصور باد عسکر شهامت پیکر کما!

حشمت مایا! افکار مالی صلح جویانه شماست که مارا بهمه دول متمدن معرف نموده از احسن سیاست مسلک کارانهات غایبند های اکثر ملل و دول متمدن بزرگ دنیا بعضی بدر بار هایویت مقیم و برخی در شرف آمدن. غایبند های دول مالی بخت درا کثر حصه های دور و نزدیک ریشه آوازه شرافت ملیه و عظمت قومیه مارا بجهه جهان رسانیده است مناسبات دوستانه ات که بادول همچووار ماعقد مصالحت بسته بجهه اصول مبنی است که در این مرصد دراز سرموقی اخلاق راه نباشه و روزمره فواید طرفین در انتحکام دوستی خالصانه جانبین افزوده. عقل دور بینت درین سال فرخنده فال سه کشته عظیم اسلامیت را که بروابط دینیه کنفس واحد بودم بروابط سیاسیه متعدد نموده که این روابط مستحسن است افرار و اعزاف

یک شکر تو از هزار کی توام

اعلیحضرت اراوح اجداد ما که در جو هوای افغانستان وطن همیز راز جان ماغود را از جایه و سلطنت اجنی خلاص و مارا آزاد می یافتد قای غیر سلطنت را از خداوند متعال رجایم بینند. ملت حاضره ما که خودها را مالک حریت کامله واستقلال تامه مشاهده مینمایند تکرار آب عخدومیت اقرار و اعتراض

یافته حسن ادب تربیه و مشق های فنون حربیه که از جوانان رشید وطن عزیز خود ملاحظه نمایند در هر ساعت رطاب السان می شویم که زنده باد پادشاه شجاعت استرما با پیشنهاد مکاتب عصری ما

اعلیحضرت ناصرالدین شاه اسلام بنها . اولاد های یقین عملکردن عزیزی ما که از فقدان صربی اوقات شواروزی شانرا بی تربیه و تعلیم کنار آینده در ایام شباب بسبب ناداشتن علم و کمال طبعاً باعث اضطرار و مقاصد جامعه نمایشند بلکه این مرض بزرگ در جیات خودشان نیز نیز لکه اور بوده حق وطن دوستی و ملت بروزی عالیجنابه ملو کانه های بونست جنان هدایات کافیه نموده اند که هر کدام ملت اولاد های یقین وطن عزیزتر از جان خود را در آغوش شفقت کرفته تعلیم و تربیه شان را مثل اطفال خود بدنه خود فرض انسایت خود بیدایم با وجود دیگر ب اصیح مشتفقانه بدرانه اعلیحضرت مذکور قدس نموده فرض ذهن خود را منقبل شده ادا میکنم ، مختار ایتمارا نیز از حیب خاص خود مرحت نمایم . لهذا فرض عین بلکه عنین فرض خود بیدایم که متحده از حضور حضرت الله رحمه نیاشم زنده باد پادشاه غریب بروم . پیشنهاد غم تبریک و بک وجود کی ملت مخصوصه ما

فدایت کردیم با وجود اینقدر کوششها یک در راه ترقی عرمان مامت بس ماده مبنی از بودجه مصارف دولتی ماباعملت بخوبی معلوم شد که برای مصادف شخصی و عالمه ات بک روپیه از بیت المال بصرف زیسته و اکبر عرضی مصارفات جزوی پیش شده ازوجه عین الممال بجزئیه دولت نادیه شده .

نکرا دا هر ض دیناشم :: کړون مازبان شود هرمهون بک شکر بواز هزار کی توام :: لهذا باعیز خود اعتراض نموده از پادشاه ایزد متعال توفیق واستعانت بخواهیم که سر و ماله و جان و اولاد خود را برای صفات خود داشت وطن فدائی و رضایت برگانم تبریکات خالصانه سان بخوبی جشن استقلال خود را عیاک بایت هر ض نموده از هم نماینده های دون متحابه کادزین جشن پرسورد هاما موافقت نموده اند اطمینان شکریه نموده بدعاي از دیاد عمر و اقبال پادشاه محبوب القلوب خود خدم مقال مینایم . زنده باد شاه عدالت استرعتیت بروم . پیشنهاد پاداستقلال باعزو شان بخون خردیه ما .

(اطلاق ذات ملو کانه بخواب عربیه ملت )

(درین اختتام جشن استقلال )  
اولاً تمام ملت نجیبه افغان و وکلای ملت وزیری دولت خود هر ض نمایم .

خود را بخاک بای بدار کت مینمایم از ترتیب نظام امنیت و قانون نایاب خود ملاحظه نمایند در هر ساعت رطاب السان نصفیه محاسبه ماضیه و مدیریت مامورین زراعت وزرایت للهی و مدیریت محاسبه خارجیه وغیره بخوبی بیدایم که در هر نظام امنیت چقدر رفاه عمومیه بزیر لظر دقت کرفته شده و هر ماده آن چه محسنات مادی و معنوی در بر دارد ، برای ماملت بروی کار آورده شده فدایت شوم ماملت بخوبی بیدایم که موس قانون موضوعه کدام ذات هایون است و در هر نقطه و مرکله آن چه زخت باوجود مبارک گوارا ساخته از حضرت آفرید کار هیشه رجا مینمایم که زنده باد موس قوانین موضوعها باشد ملت را در آغاز شورای ملت ابدیت ملت ایجاد محقوق شروع خود عالم و دانایاد ملت نجیبه ما !

اعلیحضرت ناصرالدین شاهی و حسن تنظیم و اداره وزارت دربار که بزیر حایه پدر غیور تاجدار ما از مسامی فدا کارانه ایشیک آقایی حضور بروی کار آمده از عرض شکران بخاکیه مبارک خود داری کرده نیتوانیم حسیات مل خود را بحضور ذات ملو کانه ظاهر مینمایم که زنده باد پادشاه اقتصاد برو رکابت شمارما باشد ملت ایجاد ملت انتظام وزیر دربار مبارک ما طرح و تاسیس شهر شیر دارالامان که از خیالات بلند پادشاه ترقیخواه مابواسطه مقام عالی بیوری بروی کار آمده زبان مامت از ارادی شکریه آن قاصر است اینقدر از تراجم شهر شیر بیدایم که باش تاصیح نفعه اش بدم کن هنوز از شایع سحر است از امیدهای نیک در تمام این شهر دارالامان ، وامن و امان افغان بدلمه اداری بادای کلات خود داری کرده نیتوانیم زنده باد بانی و موس دارالامان ا در نقطه مدت رسمیه داده شد زنده باد واره ملت ایجاد از شفافیت ارزان در وطن وارد نمایند .

اعلیحضرت فکر ناقب و رای صائب را بکدام زبان قدر کرده نیتوانیم که حفظ الصحفه عمومیه مامت را بزیر لظر مراجعت هم ولایات همه مامت را اطمینان بخش ترقی فلاحت که ماه حیات مامت نموده احداث باغ نمونه واحدات جنگل های پیمان امیدواری در اصلاح فلاحت وزرایت مادو بالا ساخته تاسیس مکتب پیله کشی و تعلم اولاد های وطن از متخصصین اروپائی و تشویق صنایع و زویج نساجی و رواج البسه وطنی که وزارت تجارت ما در نخت او اوصیه مربی حقیق خود کوشان است مامت را زهین احسان خود نموده فرض خود بیدایم که متفق القول باوازرسا بهمه علم رسانیم که زنده باد پادشاه فلاحت وصنایع کشتما باشد باد وزارت تجارت عالیه ما !

چون آب حیات ملک و دولت شده . حفظات دارد خدای با قدرت ما . زنده باد حکم حاذق دولت ما . دور باد از اصراف شفاقت و نفاق ملت ما !

سلطنت ما با . مکتب عسکری که برای احضار منصب داران عسکریه در پای تخت مبارک و دیگر ولایات مملکت شاهانه تشکیل

وزارت مالیه مکتب اصول دفتری ناییس نموده اشبل . دایره تصفیه محاسبه ماضیه و معاف باقیات ذمة رعایا و تحولی مالیات جنسی به نقدی ورفع تکالیف غیرمالیه معینه در حسابات متعلقة ما چقدر سهولت ظاهر نموده وما ملت را ثنا خوان میباشد احسان نموده که زنده باد پادشاه دیانت شعار محاسب پرور ما پیشنهاد باد وزارت جلیله مالیه ۱۱

ولی اعمت بی ممتاز ایجاد و توسع مکتب رشدیه و تکمیل مکتب ابتداییه در تمامی نقاط مملکت شاهانه و تاسیس مکتب ابتداییه ونشیکل مرآت بشتو و کسیل داشتن جماعت بجم افقاریه در مملکت متعدده واجرای حفريات آثار عتیقه و تاسیس موزیم خانه در پای تخت ملکت شاهانه و بنای مخزن تکمیل از بوده های ادبی و اخلاقی برای تشریف معارف و ایجاد ملت مسویه ما بک شهراه ترقی و تعالی ها زرده مامت را صبح و مسامیدن کوشا جلیله معارف ما ۱۱

اعلیحضرت ترقی گسترا ا صادرات مملکت عزیز ما نظر بواردات به ثباته صدر بوده اک برفرض عالی هزار زخت ومشقت از هزار بک ید او اور مملکتیه خود را در خارج میسازیم بد بختانه بدست تجارت اجنبی افتاده فوائد آن در پیش دیگران داخل میشند ، فکر دور اندیش شاهانه ات به تشكیل شرکنها رفع این غالبه مدعاشه را نموده بشرکت امایه ، شرک نمر ، شرکت صنایع صابون ، شمع کلت کاری تجارتی شرکت شبه سازی بجهه اصول متین جاری و نماینده های تجارتی شان در اصیلکار وارویا و روپیه رسیده و برخی در صدد اعتماد می باشند تایید او اور مملکت را عمالک بعیده رسانیده ضروریات وطنیه قبیت ارزان در وطن وارد نمایند .

حفره هر کریم و حفر (کریم واله) در سمت شرق و انعام بند امیر غازی و بند سراج غزین تشکیل دوایز زراعت در هم ولایات همه مامت را اطمینان بخش ترقی فلاحت که ماه حیات مامت نموده احداث باغ نمونه واحدات جنگل های پیمان امیدواری در اصلاح فلاحت وزرایت مادو بالا ساخته تاسیس مکتب پیله کشی و تعلم اولاد های وطن از متخصصین اروپائی و تشویق صنایع و زویج نساجی و رواج البسه وطنی که وزارت تجارت ما در نخت او اوصیه مربی حقیق خود کوشان است مامت را زهین احسان خود نموده فرض خود بیدایم که متفق القول باوازرسا بهمه علم رسانیم که زنده باد پادشاه فلاحت وصنایع ذات های بخوبی باصول مقبولة علم تبدیل واجراء نموده سکتاب اصول دفتری که از تصنیف بشکر و زیست را شوکت را پیشجه

دوت از حضور باشرف ملو کانه تعین شده مامت هر ض شکران از صحیح حضور مبارک بطبع رسیده بشکر و زیست در مركب

چیزیک از کار روانه‌ای یک‌ساله بیان نمودید از دست من  
پایگاه شده حقیقتاً کارسازی مار خداوند توانا بقدرت خود  
میکند و خداها در حق افغانستان بسیار روف و مهریان است .  
از خداوند خود نیاز میکنم الهی مرا توفیق ده تا از من  
ماجره خدمت و کاری بعمل آید که اسائل ملت و راحت قوم  
و نجات آخرت مادر آن باشد .

اب خدمات و کارهای یک‌ساله که اجرا یافته بهمت شما قوم  
شده وظیفه من بوده که صرف وظیفه خود را ایفا کرده ام  
برای همه زیارتگران و ملکه ای از نیانشید از روی قدر  
شما که ادای شکریه از ایغای وظیفه من میباشد از روی قدر  
شناسی و خوبی شهامت است من ازین پاسداری و وفا شعاری  
نان بسیار منشکرم . خدامیداند از هزار خوبیها نیک رای افغانستان  
عنیزیم بدل آرزو دارم و وسائل ترقیاتیکه برای نان بدمنع

میبورانم تا حال یک اجرالشده بدربار خالق خود دعایکم و  
رجادارم که بهمه خیالات که بقصد بیهودی ملت افغانستان  
نمایر دارم کایتاب شوم .  
عموم حضار آلمی آمن . . . . .  
ذات خسر وانه : -

باید هریادشاه و هروکیل و هرمدیر و هرمامور  
خدمت موظفة خود را بجدیت و خوبی ادا کنند و از خداوند  
برای همه توفیق میخواهم ، و از خدای خود خواستارم که  
کنند و افغانستان هزارها سال جشن‌های استقلال را بگذراند  
اکرچه هزار سال هیچ کس عمر نمیکند من برای افغانستان  
دعایکم و از خدا میخواهم که اکرمن مرده باشم هیچ وقت  
میزیم بدل آرزو دارم و وسائل ترقیاتیکه برای نان بدمنع



آقای عبدالهادی خان وزیر محنتار و آقای سید قاسم خان، و آقای ( سردانی راسن ) و آقای عبدالصمد خان در دردار الفنون شرق لندن

دست دشمن بالای شما بلند نشود و هیشه فام و مظفر باشد .  
حکوم حضار باشید باد استقلال افغانستان  
ذات ملوکانه : -

سیار خوش شدم که این جشن نهایافت و مسرت کشت  
جناب مدیر ..... در خط قیل و عده کرده بودم ، اینکه  
از روی یادداشت های خود ، رعایتیں ضروریه که از آنکه  
آن اولاد وطن را آکمی حقیقی دست می‌دهد ، و لب  
مانکستان چشمهاشان بازیشود ، حتی الامکان بلجه سلیس

در اوقات فرحت قلم فرشانی و میکنم ، حداد که هرچه  
مقصد بن ایت فهمانده بتوام ، و اینای وطن را خاتم خار  
هرچه بطاله میکنند و نذر دراز حاصل شود ، من اینم  
که بچه ایل و بست ورق و دام خواهد بینو اند و توانی های  
زبان و قلم صراحت مذور می‌داند ، و بسکا حیوان نشتم  
سخن از یادم رفت .

عنوان این مقاله و این من : -

### دارالفنون شرق لندن

است ، منوز مدت بسیاری نشده که وارد لندن شده و از  
درس روز نامه نویس نشان که باصطلاح قدیم « ازمور و ملغ  
پیشترانه » و هنری نیافر ایم که طرف جناب « سرهنی سن  
راس » رای دیدن دارالفنون شرق مدعو شدم .  
نام اصل این دارالفنون ( چکول اواف اری اهل قبرز ) یعنی  
مکتب مطالعات شرق است . در ضرب این طات است که  
مردمان ( آسیا ) را شرق یوکوست . و این این در ( آسیا )  
غمیش شده است کما ایشاره ( فرنی ) میکنم . و این نه تنها  
برای ماهن علوم غرب ، بلکه اسas وضع فصول جدیده  
میکند ، بلکه سیاسیون آن هم اصول فرقیه غربیه را نماییس  
گردد و ازان اتفاقع پر استفاده می‌شند .

درین و مکتب مطالعات شرقیه که بسیاری از سیاسیون  
را هم پیشاند ، برای حقیقت و توضیع معلومات افرادیکا  
اصطلاح غرب در احوال شرق دلجهی داشته باشد ، هرگونه  
معلومات حصل میکنند ، و این تحقیقات و معلومات هم مخصوص  
شرق است .

برور موعود در موتو اشته و آدرس ( نهر خانه و نام  
 محله ارا کارهق داریم بوزاران کفته روان شدم ، بعد از  
موڑدار جای را نزدیکیه و مارا در را واقع ہائجوار ساید  
از برون ، ان عدالت بلک محمود خصوصی ندارد ، ولی ناشارة  
خود ( سردانی سن اس ) فرمیدیم که اعیارت بسیار کلان است

و اسسه را و جلک که معلوم میشود ، پست ا

دیون و قیم ، اینجو دیگر اعضای این مکتب هم موجود  
میشند . بلک مغار هم اس . اول بطريق شرق بذرانی ما کردم  
و در کات - موصی در میان فوازی ، لشان دادند - اینجا  
بلک هم ، پیکری که ہائس رنه ، ناداده و میشیم فی شدیم  
از ۱۹۱۱ تاریخ قار شبل نهای سیموم مودخ  
شهریه ( پایانه بروشام ) از اراب نصف و اصحاب احتساب  
در طبقه هدستان است .  
بلک امروزه نظر زنها تایپ مکرر ، همین طرز

جانی، چنی، ملائی، زک، کشمیری،

۲ تبع

۴ قانون هند

۶ اصول لسانیات و تلفظ

لطف مای که زبراهنام این مکتب اغلب آد هم، الا لطف  
داده شده است بصرها رسیده است این لطف ها همه نتیجه فکار  
دور و دراز اشخاص بسیار ماهر و متخصص و جستجو کاری  
می باشد، که ثابت کار آمد و مفیدند.

ما شخص چند عنوان بعض آنها برای نهونه درج میکنم:-

السان چه طور بدرجه بودای رسیده

لطف پروفیسر بوسن

صرف هرب

فنون لطیفه در آسیا

هندوستان قدیم

ناولهای زمان بسکال

فلسفه چنی

سلطنت فراموش شده کوردیا

۷ مستر بورز

ادبیات زک

ماساجد قاهره

در افریقای مشرق ادبیات و راهیان اسلامی

اینک حالا ما این مکتب را دیدیم و بخوبی من بسیار جزو ها

باد کردیم، محبت امروزه را ختم کرده و باز بوقت فرست بد

ضمون دیگر را همچو خواهیم کرد.

را دارم

طبع تعلم این است که عموماً برای هر زبان دو معلم دارند

بیکی و بیانی و بیکی هم چنان شخصی که زمان مذکور زمان مادری

او باشد.

استاد از پانی، مشهداً و شوک طبله مغرسی را این فهمید

و سرشنست و روب قواعد و اصول زمان را باشان می دانند

و همینه آن زمان را بادیگار زمانها موزانه و قائزه میکنند، استاد

یحیا که زمان مادری ادارست، روزانه تعلم تلفظ و زمان با آها

داده و طبق، قدسی خود را اکمال می نماید...

در بروز رام تمنها (زمانها) داخل نیستند بلکه معلومان

در رابطه با عیان، ادب، اجتماعیات، دینیات اقوام مختلفه شامل

اس، چنی، نطق های متعدد بر مذهب اسلام، هندو، بوده

و بزرگوار نار بخشی و اجتماعی قبائل مختلفه داده شده که در هر

بیکی اهل نیکات مفید جمع بوده اند.

نماهان تعلم مفتاد و بنج مضمون اعم از لسان و علم در پیش

شده که بعضی قابل ذکر آرا اینجا درج میکنم:-

۱ همسایی و عبارتی، اردنی، اسماً، بسکال، بخواری،

بکننی و سیدزنی، قاتی اردو، هندی، کابل، بیلگوکو،

بنی گورانکو، سانکرات، سکه‌الی، هالی، درا دری،

انکار گردن از مسائل عقل و دالش بست افغانستان خود را  
محاجه هر کوئه اختیارات امروزه عالم مدینت دیده جلب گرفتن  
همه و سائله رقی رای تکمیل آرزو های مشروعه خویش  
ضمیر اراده موده است ما نسبت بسیما و مخه های تکمیل افغانستان  
برادران مسلمان خود اطمینان میدهیم که دلایل بعیج جزئی  
در سیما و مخه تکمیل شان داده نمی شود آنکه وزارت جبله  
معارف افغانستان آنرا تصدیق نمکند و اجازه مشاهده آزاده دهد

## حوالهای اخلاقی

فرار نهین و قتل - حد

دو غیر انگلیس که ماورای سرحد افغانی در حدود  
ملائکه قتل، و از طرف انگلیسها دو غیر بسته  
افغانی قتل آنها نهیم شده بودند، حکومت آن دو غیر را  
دستکش نموده در توقيف خان کابل نمکند اشته بود که اکثر  
و زن مقنول با آنها داده های داشته باشد در عدالت کابل دعوای خود را  
تصیفی غایب مدت زیاد نداشت و وکیل مدحی زبید در همین  
زیدیکها، آن دو غیر افغان که توقيف شده بودند از توقيف  
خانه طوری فرار کرده اند که کسی آنها را مبدده است.  
قیمتک اطلاع فرار از دن آنها عحقق کرده اند از طرف حکومت  
لازم نسبت داشت که بجز این توقيف خانه و محمد سرور خان بکران  
محی الدین خان مأمور کلان توقيف خانه و محمد سرور خان بکران  
و مأمور داخلي توقيف خانه ویک غیر بلوک هشتر و غیره و بجز  
دارها تو قبض شدند.

وزارت عدلیه سلطنه مواد ۱۴ سنتیه بیان حرب سرکری کابل  
مامورین اشخاص اعظمی بودند تابع تحقیقات رای رای عحا که  
وزارت حریه فرستادند - در دیوان حرب وزارت جبله  
حریه قضیه مذکوره فرار ذیل فصل کردید  
(فصله بیان حرب و تدقیق داده محکمات)

صورت قضله مواد ۱۴ سنتیه بیان حرب سرکری کابل  
که دشما به داریه عحا کات وارد گردیده، در قضیه کرخن دو غیر  
شناوران بخوبی: از دلی و داؤ دشنه نامان از توقيقنامه کابل که  
در لیل شنبه ۲۶ اسد مروریت شان بعمل آمد، و الازم غفلت  
و عدها کرخن این بخوبی مذکوره فرار ذیل شیوه که  
وزارت جبله عدلیه در نتیجه تحقیقات استدایه توضیع  
نموده بخوبی رای نویس ذیل وارد سرکرده، غلام  
محی الدینخان ما مور توقيقنامه - محمد صرور نولمشر -  
محمد اکرم بلوک هشتر - عبدالرؤوف دلکی مشیر یافتاه ساز

جه امر و اختراعات بغير العقول اروبا و صنایع بدیعه مشاهیر صبی  
است که برعطال و این کوئه منافر های نامعقول ایه اقوام  
مشرق زمین دست استبلا و تصرف خود را دراز کرده سرمهایه  
هیچ باشند، کان طاطل و کامل آسیارا شاراج فن استعماری  
(کالوائی زیشن) و اطاؤل عالم استعماری (اکس پلای بیشن)  
برای فناده است. و ربه بخوبی و سیله و سایط دیگری رای  
نغلب و تعاطم اروبا بر اسیا بوده و بست جنا بجه  
زین ستمهای که از دست خودم باید شد

غیر خجلت کیست ناز من ستاد داد من  
اختراج تصاویر منحر که از ایجادات غصیه دسای متدین کفته  
می شود. و عالم از منافع و افاضات این اختراج جهان جهان  
رقی و اصلاحات حاصل گردن نوالت و بیان واسطه مناظر طبیعه  
و مدینه عوالم احتیاج به شر بقطumat الأرض مشهود الطار ملل  
علم کشته و معانی آیه کریمة قل سیر و فی الارض فانظر واکف کان  
عاقبت المذکین سهلتر در لغار عالم بشریت در جلوه آمد است  
البته درین نیکته ماهم هم خیال همصر محقر خود بوده  
و هستیم که در استعمال این کوئه بدایع حسن دقت و اداره  
نایکر حفظ شرافت و اسلامیت مانت و برای مال الام بست  
که برآشاده خطوط نفسانی و خطور شیطانی حیات ملل اروبا  
خود هارا در شیلک سر دوچار کنیم و باع معناد شویم. بلکه  
حد لله بسایه رقی وایه اعلیحضرت غاری او لولزمن ما وزارت  
جلیله معارف بکار صداقت در صدد این مسئله سامی است. که  
سیما و مخه تکمیل - افغانستان سراسر مکتب حسن اخلاق و ماض  
افیاهات مفیده رای ما مل - نایت شود و مصلح معاشرت و معاشرت  
ساشد، و آنچه از شواعده رقی و تعلی ملل متمدن دنیاست  
مشهود الطار ملت نجیب ساکرده و هرچه از دنام اخلاقیه  
آنهاست سهیب کرده، شود این سفله ظاهر و هویداست که سینای  
امروزه اروبا رایی سوداییان عالم استمار جوشی بک و سیله  
خویست و هم رای عیش برستان آن سردمین مشاهده تصاویر  
عنجه شهوایه دام و دانه است که حیات ملیون ها غوس اروبا  
هم عمر محترم، صحب امیاز روز نامه خلافت بیمه ۱۵  
ماهه مورخه ۳۰ حرم الحرام - بخ عنوان ۱ سینا در کابل ا  
مقامه تسبیح آمیزی نویته که ما از نقطه نظر اسلام برخی  
و افقان دو-رقی او حیل اظیار امتحان میباشیم اما آنچه راجح  
که عینم صفت تصویره منحر که نویسند و نسبت این احتمان  
رام بش آمده های نایکوار الفا میکند، این صفت را از  
ملام و لواه اختیارات ارایی پیشنهاد به کان ما درین منه  
آقار صاحب امیاز صاحب جربه ملا ملاظه کراوه اذ افاضات طباره

۱۰۱) اع. ۱ - محمد اور خان حاکم درجه دوم جرم به حاکمی درجه بولو رستاق مقرر کردید.

### حوالہ حکایتی

شرف ورود قرآن عجید دستخط خیرت عین رضی الله تعالى عنه در ناشکند.

۲ آن عظام القان که بدستخط های اک حضرت عثمان رضی الله تعالى عنه در بغداد بود، شش صدال قبل در هد سلطنت امیر نیمور، ابوکر شانی از بغداد در سمرقند آورد و پیغمبر شیخ عبدالحق احرار قدس الله صره المعز بود و بعد از اینکه در بیکولا اینها طور روس، جهل و پسچ سلسله قبیل رکستان راستبله بود از سمرقند قرآن عجید را به پتو آزاد بود. افقارها بمقابله خدمت خود که در جمله عروس و زمان غلاب روییه اراز داشته بودند قرآن شریف را از روسها مطالبه کرده، به شنبه و فر خخصوص لزیقه کرد (باوه) رسانیده، بظاهر دفعه اوله نسلیم کردند.

اهالی ترکستان درین زمان خواهش داشتند که قرآن موصوف باشان بوده شود تا در ترکستان محل آن بزند. واهالی قرغن، و تاتار، و مأشقرد، در اوقه بودن آن‌دا توافق داشتند، مسئله صورت تخلویه کوکد، زیوار درین مسئله بدردی اهالی ترکستان و قرغن، و تاتار و باشقرد ظاهراً بیکد، کانگره اهالی ترکستان و تاتار فاعل شدند که بسیار فهم خاک اهالی ترکستان بیکد شود.

بعداز تصفیه، کانگره مذکوره چند نظر در منطقه استبلان آوردند قرآن عجید را از اوقه در ناشند ارتقا کوئ تائب (شیخ قوسی) حاصل داشته ناشکند آوردند، هلا میخواهد که قرآن شریف را دفعه کردند شریعه کا شکنند اسلام نمیکند، و این فیصله نشده که بیکجا گذاشتند شود، فی الحال قرآن موصوف را در موزه خانه شهر کنه ناشکند گذاشتند.

### (ایطالیه و یونان)

اختلاف ایطالیه و یونان نسبت به مطالبه ایطالیه از یونان راجع بذل بیت ایطالیه نمود و ایطالیه شهر (کارلو) و چند حزره یونان را به ساری و استیلا نموده بود، بتوسط مجلس شوراء رفع کردیده تراهنی مقرر کردید که طرقین اسلام نموده ظهراً اسباب جنگ برداشت شد لا اکن ایطالیه دایتوت موافق اشغال کرده را تخلیه نموده است.

(پیشکار اعلیحضرت قاضی و اعلیحضرت پادشاه جلان)

بنابر حدوث رفعه مدحنه در زبانی و تغییب آن هلک و صدماییک هلت زبانی طاید گردیده، هلک رای ساره بیان السانکارانه، همدرد امیر ارار ای اطراف فرقه اعلیحضرت هاونی به اعلیحضرت میکند و اینه طور جاون شفیده شده و از واقعه اهله که درین ذمیل بدلک اینه طوری اعلیحضرت شما عارض کردیده این دوستیه و ملت دوستیه دوبله حزن و تغیر کردیده است، لهنا تحریر و تکلف غوی الماده حومه داشته، صیباهه اظهار همدردی میباشد.

جواب ارنوکیو، محضور اعلیحضرت شاهانه از همکاری اعلیحضرت شما که برای مصیت ما نموده باید وارد کابل شدند. مراسم تشریفات او هزار لفاظ امنامه اشریفات در سرحد و کابل از طرف وزارت جلیله خارجیه بعمل آمد و روز چهار شنبه (۳) میران اعلیحضرت را رسماً ملاقات نمودند.

شب بیست و نه (۲۱) طر عجیس از بندی خانه بلال آبار فرار کرده بودند و از طرف حکومت تعقیب شده محمد امین نام که حکم به اعدام او شده و در محکمه گفت طالب استیناف شده بود در فتح آهاد دستگیر و بدله کشیده شد. عبدالله جان و خان شیرین نام که حکوم (۱۲) سال جنس و بعد از فرار، دریکی از قله های (زاوه) بخانه بعض افشار ملتهب و متحصن بودند پس از مقابله و مقابله با مفرزة عسکری که آنها رقبه می کردندستگیر کردیده اعدام شدند بورا نام و پیر محمد نامان که اشرار مذکور را بشه داده بودند عنکام مقامه اینفر نظایری کفته شدند و پقیر خان و شاه زمان نامان که آنها نیز از جله اشرار بودند دست یکی کردیده اعدام شدند.

### (زفیع بضم حکم)

سنا و اطلاع رسی که از طرف وزارت دادخهه باضای اع. ج آقای محمد سرور خان و کل وزارت موصوله رسیده حکام آنی ساره حسن خدمت توفیع رتب باخته است.

۱۱) اع. س عبدالکریم خان حاکم اعلی سمت مشرق به نائب ام. نوبه کی ترستان -

۱۲) اع. ۱۰ - احمد علیخان حاکم کلان سمت شمال بحکومت اعلی سمت مشرق -

۱۳) اع. - عبد الوزیز خان حاکم اعلی (آسمار) به نائب ام. سمت شمال تبدیل شدند

۱۴) اع. ۱۰ - محمد حکیم خان حاکم درجه اول رستاق به نوبه کلان آتمار مفرد کرد که

امکان میشود مأمورین توقيف خانه، سنا رغفلت شان عماک و مجازات شدند که ازین بالا قدر متعدد قرین دول معظمه میکن نیست باقی مانده سنه فرار کردن که جرا واقع شد؟ بدین است که این کونه مسائله وقت در سائر دول یعنی میشود و فرار مفروزین از توقيف خانه بود نه سندخانه چرا که آنها عرض متهم بودند و جنایت بر آنها ثابت نشده بود - پس زمزه های جرائد انگلیسی درین باب غیر از عادت طبیعی آنها جزو دیگر نیست.

### (ورود سفیر فرانسه)

درین هفته (ع. ج) آقای (فوشه) سفیر مختار دولت هیئت فرانسه مأمور در هزار افغانستان با اعضاء سفارتخانه خویش وارد کابل شدند. مراسم تشریفات او هزار لفاظ امنامه اشریفات در سرحد و کابل از طرف وزارت جلیله خارجیه بعمل آمد و روز چهار شنبه (۳) میران اعلیحضرت را رسماً ملاقات نمودند.

### (ورود راجه مندر پرتاپ)

راجه مندر برتاب که بیک از ملیون کشور هند است و دو سال قبل بیز وارد کابل شده بعد از کنفرانسین مدتی از راه چین طزم جاهان شدند، درین مدت هاطراف دنبی سیاحت کردند مجدد آوارد کابل کردند.

### (عودت والی صاحب)

(د. ج) جناب والی صاحب که مجتهد نقشبند جریانه امور اداری و حکومت سمت جنوبي تشریف رده بودند بعد از علم آوری و اجرای وظائف نقشبندیه درین روزها مع الخبر هدودت نموده وارد کابل شدند.

### (اعدام اشرار)

تاریخ (۳) سپاه، محمد ابوب خان نام فندماری نور حکام اعلی سمت مشرق را جنینک از کابل بلال آهاد بسواری کادی میرفت، در حدود منزل جنده عده از اشرار بقتل رسانیده قتل و مال او را به غارت بردند اند، حاکم صاحب قاتلین را تلاش نموده در تدقیق، شیرین، شیر محمد و مستان نامان سلیمان خبل ساکن (چکری) کابل و میر کل نام ساکن (ینی مادام) میدان باشند (جوکان حصارک) غلجهانی نخ شده آمده دستگیر شدند، و هلا غره به ارتکاب این قتل و دوکر جنایات اعتراف نموده از حکومه عدیله حکومه به اعدام کردنده دردادش شفاقت یافته کی بدار سیاست کشیده شدند.

محمد بونس سائز - محمد ابوب سائز سلطان محمد کا کاب راجع ۳۸۶ ورق اوراق تحقیقه ایجاد شد و نتیجه تحقیقات مجرمین حدا علی که ذریعه فرار مفروزان بوده است:

(۱) غلام عیی الدین خان مأمور توقيف خانه لظریح علامه - الف ب، ج، د، ه، و، ز - فقره ۲ نتیجه تحقیقة مجرم شاخته

ب، ج، د، ه، و، ز، فقره ۲ مسعود نولیمش - نظر بعلماء های الف، ب، ج، د، ه، و، ز - نتیجه تحقیقة مجرم شاهد:

(۴) عبدالرؤف دلکی مشر - نظر بعلماء های الف، ب، ج، د، ه، و، ز، فقره اول نتیجه تحقیقات مجرم ثابت شده: (۵) سيف الله سائز - نظر فقره (۵) نتیجه تحقیقات مجرمین ثابت شده:

۱ سلطان محمد کاب نوبی، ۲ محمد بونس ۳ محمد ابوب سائز - نظر فقره اول و دوم و سوم - فرار اوراق نتیجه تحقیقات جرم غفلت شان ثابت شده:

۲ مفسوین دیوان حرب لظره ۳۵ ورق تحقیقات ایجاد شده: ۳ ورق نتیجه تحقیقات ه وزارت جلیله عدیله دلالیت شویسه توضیح نموده بمحکم اول دوام ورزیده، انتهای مجرمین مذکور را نظر بمحکم ماده های ۹۲ و ۹۳ نظام امنه جزای عمومی و جزای عکری موافق دالسته در ماره قری مذکور به تصریحات ذیل مجازات نیعنی مودد.

۱ - ثبت مجرم غلام عیی الدین خان مأمور، محمد سیف افه سائز - جون فراریان منور هنوز حکوم علیه، نکردیده بودند، مجرمین شان راجع باده ۲ ۹۲ جزای عمومی کردند، بمحکم ای اسپا سال جنس حکوم کردند.

۲ - ثبت مجرم سلطان محمد کاب نوبی و محمد ابوب سلطان امداده جرم غفلت شان راجع باده ۶۹ جزای عدیله شش ماه حبس رای شان نیعنی شد دایرة محکمات فیصله دیوان حرب را درباره (۸) نظر بعلماء موافق نظام دالسته تصدیق می کند که بر طبق فیصله دیوان حرب در محل اجراء آیده

(امان افغان) نشبات رای دستگیری مفروزان ناخد

خوبینه کاستان فصاحت و آیهار چذستان بلاعت اوع ریابین  
محانی و اصناف سنتی و یادیهین بیستانی دلار فرق و اعلم و خنجر  
و مثبوی درابن کلزار طوری کلهسته بسته به ار غایب شیرین  
کلامی حرف انسکار در کلوی خوان شکسته . امام افغان م  
قصبه نموده که کاهه ، بعض جداول صفحت خدمه ابع کلهای  
پشنهک این کلزار دشک باع شار صاده ، و مجهو نسیم هم سبل  
کده خاطرهای از ایام ذوق را شیوه لف حور اوتان عبور آین  
ومانند این آثاری ریاض دلهای احباب شورقا چون طالمیز  
خطان اضمارت آمنه در . و ائمه الله اعزیز از بدو طلوع طلیع  
موک خسر و بجان خشر روانم ان کازار آغا و مشام قاریان  
محترم را محترم خواهد ساخت . فاعلا بدرج مین بک غزل  
اخیر آن نمونه اکتفا دیده شد .

(غزل)

بهار آمد و شدت آفرین کلزار  
که گشته کل لسرین و یاسین کازار  
بهار آمد و کلزار شد هشت رین  
ماخ جده لشان میدمده بین کار  
چهار گفت وجوان شد جهان پیور دکر  
دوباره شاد آند خاطر حزین کازار  
کندر بجانب هزار کلزار کسی  
نه نافر و رود از نرم در زمین کازار  
پیا به مین که زرکس نشته جشم راه  
در اسطار سوای سرو نازین کلزار  
شدی بمان و حجل ساختی کل از عارض  
کلی میدیده مان دیک پیش ازین کلزار  
نه شهم است به کازار صبحکاهی کل  
هر ق رشتم نویزد از چیزین کازار  
پیا بجانب کلزار و غر ردل زدای  
که هم دلست رای دل غمین کازار  
خود صورت کلزار مطلع خاصه من  
جهان چشم نبدست اینجین کلزار  
بکشن دکر شی دل عیکش در کن  
کسی اکر دلند سیر اندرین کازار  
کرت بجانب کلزار دل کشد بلبل  
پیا بکدر ازین طرفة دلشین کازار  
چو هندلپ ترا سه کلش ارزانی  
مرا دهن اس همین کلشن و همین کازار  
خوش است ایدن کلار طبع (استقنق)  
نه سه دهه وار جید کل ازین کازار  
در مطبخه خود فی ما شبن خامه طبع کرد

(ایطالیه، بو تو سلاویه)

ین ایطالیه، بو تو سلاویه (دلت جددی است که بعد  
از جنک جهانگیر از مردیه و اطراف ن تشکیل یافته) لسبت  
پیش رکاه (فروم) کشمکش و اختلاف بوده است . ایطالیه نوطه  
شر افط واعلان حرب را به بو تو سلاویه فرستاده است . اکر  
جنک شود و مان هم طرفدار بو تو سلاویه خواهد شد . ولی  
امکان جنک بیور است ازدواج نه جنک را چشیده است پسقدر  
امور جزویه ابدا اقدام ه جنک هی شود

(شورش هیپایه)

در هیپایه یک نوع انقلاب و شورش عکی رو روز نموده  
در آثر شهرها هیجان و اضطراب است قانون هیکی در قالب  
قحطان هزاده یافته است کابنه و رایوت هم امتحنا نموده است .

(جرمنی و فرانسه)

چذری است که ایسبت به جرمنی و فرانسه اطلاعات مفصل  
نمیسد که جرمنی جه جه دارد و سخن او ما فرانسه در مسئله  
اشغال رور و تاده غرامات بجا رسیده اما اجالاً جان  
سیه هایه که جه ف در رو غلوب شده قوت و قدرتش  
محو تزدیده از مقاومت منی اهتماده است و ما فرانسه مشغول  
مذا کرات و معاوضات است و غالباً که شائع طرفین بد مجموعه  
خراله نسویه شود .

(حریق جنکلیهای فرانسه)

یک حصه در فرانسه جنکلیهای آن آتش گرفته از مدنه  
است و خاوش نشده است و نلافات و حسادت ملل (یدبخانه)  
وارد آورده است .

(ابن سعود و انگلیس)

ابن سعود بیک از امرای حرب است معاهده انگلیس  
و بحر را قبول و تصدیق نمود و بوجب این معاهده بعض جاهای  
را که به (هریات الملح) معروف و معهود شرق اردن مخصوص  
بود، است برای ابن سعود گفته است .

کلزار مستقنق

ایوب شیرین زمان و شاهزاده شیوه ایمان و ملن عنوز ملن ، فضائل  
لشان جناب بلا عبد اهلی خان منجلیس (مستقنق) که از پیش  
قدمان میدان سخنوری و سر امدادان سخن بلاح غروری بوده ،  
مستقنق از تحریف و توصیف می باشد ، در این روزها یک دائر  
خنجر ادینی سخن (کلزار مستقنق) از کلک گوهر نکلر  
و خانه هنرها نازه طرح عموده اند ، و نظر به حسین عقیدت و  
علاءه هنری که ایمان افغان دارند (معنی از کلزار و از هاره ایان  
جزیده وطنی خویش بطور ارعنان فرستاده اند . الحق که ابن